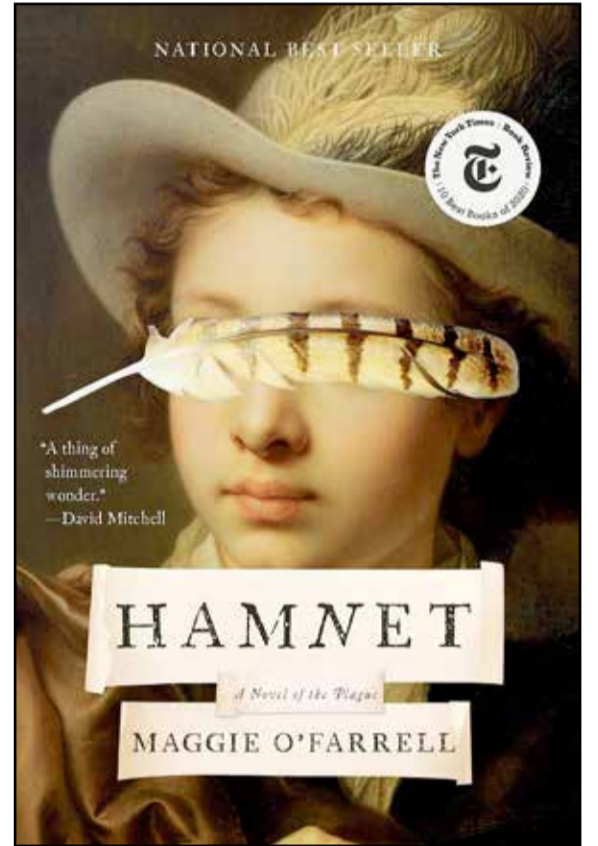


بدون «همت» ما «هملت» نداشتیم!

داستان یک زندگی از دریچه مرگ



داستان سفر طاعون از میمونی کک زده در اسکندریه مصر تا مستخدمی در لندن و سرانجام استراتفورد در سال ۱۵۹۵ که به طور خارق العاده‌ای با همگیری اخیر همزمان شد. اوفارل درباره همزمانی این همگیری با اتفاقی که بیش از ۴۰۰ سال پیش افتاده می‌گوید «مطمئناً هنگام نوشتن چنین تصویری نداشتیم»

همت برای بردن جایزه سال گذشته ادبیات داستانی زنان بر مان هسای برنده بوکر هیلاری منتل و برناردین اوارپستو غلبه کرد. اوفارل درباره قرار گرفتن در میان فیالیست‌ها که اعلامیه نهایی آن به خاطر ویروس کرونا تا ماه سپتامبر به تعویق افتاد می‌گوید: «تمام تابستان احساس می‌کردم در معرکه‌ترین گروه ممکن بوده‌ام.» این اولین باری بود که در فهرست کوتاه قرار می‌گرفت که به نظر برای نویسنده‌ای که ۲۵ سال است می‌نویسد و هشت رمان زیبا نوشته فوق العاده است. این بدون شک بهترین رمان اوفارل تا کنون است (قرار نگرش این رمان در فهرست بلند جایزه بوکر خشم بسیاری

از کاربران توییتر را برانگیخت) و انتشارش با جلد شومیز در هفته‌ای که گذشت قلب بسیاری از خوانندگان دیگر را خواهد شکست. اوفارل که با ویلیام ساتکلیف، همسر رمان نویس و سه فرزندش در ادینبورگ زندگی می‌کند از اتاق نشیمن به شوخی می‌گوید: «فکر می‌کنم به جای نوشتن همت سه کتاب نوشته‌ام.» او می‌گوید اتاق مطالعه‌اش نامرتب‌تر از آن است که بتوانیم مصاحبه را آنجا انجام دهیم و من حدس می‌زنم فضای هم خصوصی تر است؛ چون اوفارل خودش را نویسنده‌ای مرموز توصیف می‌کند. او و ساتکلیف به عنوان نویسنده هر دو عادت به کار در خانه دارند؛ اما اوفارل می‌گوید سال گذشته را با پافشاری بر حداقل کار روزانه جان سالم به در برد: «اگر بتوانم روزی یک ساعت برای کتابم وقت بگذارم می‌توانم از دیوانگی جان سالم به در ببرم.»

این اولین بار نیست که او داستان یک زندگی را که از دریچه مرگ دیده می‌شود، نوشته. خاطرات استثنایی او «من هستم، من هستم، من هستم» که ۱۷ بار رویارویی او با مرگ، از جمله چندین بار تجربه نزدیک به غرق شدن، یک سزارین ناشیانه و التهاب مغزی حاد در دوران کودکی را گزارش می‌کند، از پرورش‌های شگفت‌انگیز سال ۲۰۱۷ بود. با خواندن این تجربیات نزدیک به مرگ متوجه می‌شوید که این نویسنده ایرلندی-بریتانیایی که حالا ۴۸ ساله است، در میان سه خواهر در ایرلند شمالی متولد شد؛ اما بیشتر دوران کودکی‌اش را در جنوب ولز گذراند، تا وقتی که در ۱۲ سالگی با خانواده به اسکاتلند نقل مکان کرد. او سپس برای تحصیل در رشته انگلیسی به دانشگاه کمبریج رفت، جایی که با همسر آینده‌اش آشنا شد.

موضوعاتی که اوفارل به آن می‌پردازد، شامل مادر بودن، فروپاشی زندگی زناشویی، جنون و زندگی دختران و زنان است. دیگر رمان صریح تاریخی او «عمل روبه نابودی اسمی لئوکس» به بررسی وضعیت زنان زندانی دهه ۱۹۳۰ ایرلند و انگلیس می‌پردازد که جرمشان متفاوت بودن است. «اولین دستی که دستم را گرفت»

که داستان‌های تازه-مادری به‌تازگی در لندن کنونی را با جوانی تحصیل کرده که به دنبال ماجراجویی در سوهوی دهه ۵۰ است در هم می‌آمیزد، جایزه رمان کاستارز در سال ۲۰۱۰ کسب کرد. با اینکه اصطلاح «داستان خانوادگی» عصبانی‌اش می‌کند، «همت» به‌طور غیرقابل انکاری برداشتی خانگی از داستان شکسپیر است که بخش عمده‌ای از آن نه در کلوب شکسپیر یا میکده‌ای در لندن، بلکه در آشپزخانه، اتاق خواب و باغ کلبه‌ای در استراتفورد اتفاق می‌افتد. این رمان که تصور می‌شد مثل هملت درباره پدران و پسران باشد، به تصویری زنده از یک مادر و پسر ختم می‌شود.

مثل هیلاری منتل که به گفته خودش «تصمیم گرفت به میانه مسائل تاریخ انگلیس برود و پرچی بکارد»، اوفارل ترغیب جسرانه‌ای در واقعی ساختن یک غول تاریخی (بزرگ‌ترین نویسنده انگلیسی تمام ادوار) به کار برد؛ هر دو نویسنده به‌طور ماهرانه‌ای از زمان حال استمراری برای جذاب ساختن هرچه بیشتر داستان استفاده کردند؛ اما آنجا که توماس کرامول داستان منتل شخصیتی شناخته‌شده باقی می‌ماند، شکسپیر اوفارل به نقشی فرعی تنزل می‌یابد و تنها به عنوان شوهر یاسا پدر شناخته می‌شود.

اولین منشا این ایده در مدرسه به ذهن اوفارل رسید؛ وقتی که معلم انگلیسی به همت، پسر شکسپیر اشاره کرد که در ۱۱ سالگی و چهار یا پنج سال پیش از نوشتن نمایش نامه هملت از دنیا رفت. او به یاد می‌آورد که در کلاس درس نشسته بود و



انگشتش را روی حرف «ل» اسم نمایش نامه گذاشته بود: «ایده این پسر و استفاده از نام او توسط پدرش زیر پوستم رفت. هرگز نتوانستم فراموش کنم.» بعد از سال‌ها مطالعه درباره این موضوع (او یک طبقه «هملت» در کتابخانه‌اش دارد) اوفارل از نادیده انگاشتن همت توسط محققان، فراموش کردن مرگ او به خاطر نرخ بالای مرگ و میر کودکان در آن زمان و بی‌میلی آنها به درک اهمیت شخصی موضوع برای شکسپیر که بزرگ‌ترین تراژدی‌اش را به نام پسرش نام‌گذاری کرد، ناامید و خسته شد. «شوخی نکنید! این همان اسم است.» «همت» تلاش او برای واگذاری حاشیه ادبی به این پسر است... یک حضور و یک صدا! تا بگوید او مهم بود و تنها یک کودک در آمار کودکان الیزابتی نبود. بدون او ما «همت» و شاید «شب دوازدهم» راندناشتیم.

شاید اوفارل قصد داشت همت را در مرکز صحنه داستان قرار دهد؛ اما شخصیتی که نمایش را می‌دزدد، بدون شک اگنس (که بیشتر به نام آن شناخته می‌شود) هاتاوی، همسر شکسپیر است که در تجسم اوفارل یک روح آزاد فریبنده و برای شکسپیر بیش از یک همسر است. او از شیوه معرفی آن توسط محققان و نویسندگان فیلم‌های برنده اسکار به شدت عصبانی است: «دائماً این روایت را درباره او با ما گفته‌اند که او یک زن روستایی بی‌سواد بود که این پسر نابغه را به دام ازدواج انداخت که او سالخورده و روسپی بود. زندگی نامه نویسان بسیار محترمی هستند که در کتاب‌هایشان نوشته‌اند او زشت بود و شکسپیر

همت با اجرائی از همت پایان می‌یابد. اوفارل می‌گوید: «می‌خواستم درباره اینکه هنر از کجا می‌آید و نوشتن از کجا نشأت می‌گیرد یا اینکه چرا به این‌ها نیاز داریم سوالاتی مطرح کنم. چطور می‌تواند از جایی بسیار دردناک نشأت بگیرد اما دقیقاً به همین دلیل نیاز داریم که انجامش دهیم.» مثل هملت که در صحنه تله موش موجب گناه کلاودیوس می‌شود، همت شکاف بزرگ اندوه پشت نمایش را آشکار می‌کند، که رویکرد کاملاً جدیدی به خود می‌گیرد. «به نظر می‌رسد پیامی یک طرفه از سوی یک پدر در یک قلمرو به پسر در قلمروی دیگر باشد.»

اوفارل که روی رمان جدیدش کار می‌کند باید در مورد گلدوزی اطلاعاتی به دست بیاورد؛ کاری که هرگز در زندگی‌اش انجام نداده؛ بنابراین از یکی از دوستانش تقاضای کمک کرد. «داشتیم به چیز زیبایی که گلدوزی کرده بود، نگاه می‌کردیم؛ آن را بر گرداند. پشتش بسیار پیچیده‌تر و کاملاً نامرتب بود. به تعبیری همان چیزی که اندوه است: عشق را پشت و رو می‌کنی، مثل یک جوراب یا دستکش، این همان چیزی است که پیدا می‌کنی. اندوه روی دیگر عشق است.» منبع: گاردین

فراخوان جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی کانون با تمرکز بر دنیای مجازی

با عنوان «قصه زندگی من» در جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی برگزار خواهد شد. بر اساس آنچه در فراخوان مورد اشاره قرار گرفته «من و کرونا» که روایت ایثار و از خودگذشتگی کادر درمان، روایت زندگی در روزهای قرنطینه و روایت مهریابی و همدلی با دیگران و... است و همچنین «دیروز غرور آفرین، فردای افتخار آفرین» که روایت جان‌فشانی‌های سربازان و رزمندگان انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس، مدافعان حرم، شهدای هسته‌ای و قهرمانان حوزه علم و دانش است و محور موضوعی بخش ۹۰ ثانیه‌ای است که در آن تمامی گروه‌های سنی امکان شرکت را دارند. مرحله پایانی بیست‌وسومین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم‌زمان با شب پلدا به صورت مجازی برگزار می‌شود.

و «قصه‌هایی برای بزرگسالان» و بخش بین‌الملل شامل رقابت صحنه‌ای (مجازی) قصه‌گویی برگزیده ۲۲ دوره جشنواره قصه‌گویی در مراحل منطقه‌ای، ملی، یابین‌الملل، قصه‌گویان و مجریان حرفه‌ای دارای سابقه اجرا در رسانه ملی و تئاتر کشور و قصه‌گویان منتخب سایر کشورها، دو بخشی است که همانند گذشته و با تغییراتی جزئی برگزار خواهد شد. دو بخش جدید با نام‌های «قصه‌گوی برتر» و «یادگست» نیز به جشنواره اضافه شده است. قصه‌گوی برتر، رقابت حرفه‌ای‌های حوزه قصه‌گویی است و با شکل و شمایل متفاوتی از سایر بخش‌های جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی است که در آن تنها افرادی می‌توانند شرکت کنند که بر اساس جدول امتیازات مشخص شده، امتیاز لازم را در حوزه‌های مختلف به دست بیاورند. امسال و برای سومین مرتبه، مسابقه قصه ۹۰ ثانیه

محورهای موضوعی امیدها و آرزوها، شادی‌ها و غم‌ها و ایثار و از خودگذشتگی (جهاد و مقاومت در عرصه‌های مختلف زندگی) منتشر شد. این جشنواره به دلیل شیوع بیماری کرونا، به صورت مجازی برگزار خواهد شد و علاقه‌مندان در حوزه‌های مختلف می‌توانند با مراجعه به پایگاه جشنواره به نشانی www.kanoonfest.ir نسبت به ثبت‌نام و ارسال آثار خود اقدام کنند. بر این اساس، فرآیند اجرائی جشنواره از ۲۵ فروردین ۱۴۰۰ آغاز شده و مرحله پایانی آن در آذر امسال و هم‌زمان با شب پلدا برگزار خواهد شد. بخش ملی شامل اجرای زنده (مجازی) قصه‌گویی از سوی دختران و پسران (۱۲ تا ۱۸ سال)، زنان و مردان (۱۸ سال به بالا) و مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها در سه بخش «قصه‌هایی برای کودکان»، «قصه‌هایی برای نوجوانان»

تئاتر



فراخوان بیست‌وسومین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی کانون با شعار «آینده ساختنی است» و با

تجسمی

گذر از رنگ قرمز کرونا با هشت نمایشگاه مجازی



علاقه‌مندان هنر می‌توانند در چند نمایشگاه مجازی بدون مراجعه به نگارخانه‌ها، آثار هنری دیدن کنند. به گزارش هنر آنلاین، در نخستین روزهای پس از تعطیلات نوروز، بار دیگر افزایش آمار مبتلایان به کرونا باعث تعطیلی فعالیت‌های فرهنگی و هنری شد. در این شرایط تعدادی از گالری‌ها در بستری آنلاین فرصتی را برای علاقه‌مندان هنر فراهم کرده‌اند تا بتوانند دقیقاً را به دیدن آثار هنری بگذرانند. در این میان نمایشگاه گروهی «۱۳۹۳+۷» شامل آثار منتخبی از هنرمندانی که با گالری «ا» همکاری داشته‌اند، تا ۳۰ فروردین در سایت این گالری برپاست. همچنین نمایشگاه آنلاین نقاشی‌های بهمن نیکو تا دوم اردیبهشت در وبسایت گالری گلستان برپاست. وبسایت گالری آریان نیز میزبان علاقه‌مندان به نمایشگاه مجازی برگزیدگان چهارمین فراخوان جوهرسازی معاصر گالری آریانا تا ۳۰ فروردین ۱۴۰۰ خواهد بود. نمایشگاه گروهی آنلاین «قانونی برای پیوند دادن ما وجود ندارد» با اثری از الهام اعتمادی، پونه اوشیدری، الهام پورخانی، شبنم جهانشاهی، هماسحینیان، مهشید روشن تبار، صنم سایه‌افکن، کیمن مه‌آبادی و آذنامیرزاخانیان تا ۳۰ فروردین ماه روی وبسایت گالری باوان قابل بازدید خواهد بود. از سوی دیگر، نمایشگاه آثار سعید غلامی در وبسایت گالری شریف و نمایشگاه گروهی «پیشنهادهای فروردین ماه» هم بر وبسایت گالری لیام برپاست. موزه هنرهای دینی امام‌علی نیز تا ۳۱ فروردین در صفحه اینستاگرامش، نمایشگاه گروهی «۴۰۰ بافت‌اشان معاصر» را به نمایش می‌گذارد.

گردشگری

وضعیت قرمز است، اما هتل‌ها تعطیل نیستند



بر اساس اعلام ستاد ملی مبارزه با کرونا در حال حاضر ۲۵۷ شهرستان قرمز و ۱۲۹ شهرستان نارنجی هستند و طبق مصوبات این ستاد مسافرت «ز» و «به» شهرهای با وضعیت قرمز و نارنجی ممنوع است. طبق اعلام ستاد ملی کرونا کلیه مشاغل گروه‌های دو، سه و چهار در سراسر کشور از روز شنبه به مدت ۱۰ روز تعطیل هستند و تنها مشاغل گروه یک آن هم نه به کل ظرفیت کارکنان اجازه فعالیت دارند. با این حال هتل‌ها و اماکن اقامتی در گروه‌های «یک» دسته‌بندی شده‌اند که می‌توانند بازمانند.

حال سوال بزرگ اینجاست که چطور می‌شود تقصیر شیوع گسترده کرونا در سراسر کشور را به گردن گردشگری و سفرهای نوروزی انداخت و در تعطیلی ۱۰ روزه کشور هتل‌ها و مراکز اقامتی اجازه فعالیت داشته باشند؟



شاید بتوان توجیه کرد که اتفاقاً در شرایط پرخطر کرونا در شهرهای قرمز، وجود هتل‌ها برای سفرهای ضروری و مأموریت‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی کاملاً ضروری است؛ ولی آیا باز بودن مراکز اقامتی بستر مناسبی برای پیش آمدن مأموریت‌های ضروری نیست؟ و دقیقاً با همین توجیه‌هاست که چرخه شیوع ویروس ۱۳ ماه پس از اولین ابتلا هنوز هم ادامه دارد.